

## یک اوروغ ازبک که مشهور به نام آمازونهای ازبک است: لقیها

نورالدین خاتون اوغلی<sup>1</sup>

### خلاصه

اکثر لقی ها در مرزهای معاصر تاجیکستان ، ازبکستان و افغانستان زندگی می کنند. در نتیجه تحولات سیاسی در افغانستان لقیها را به پراکنده شدن از افغانستان به ایران ، عربستان سعودی و ترکیه مجبور کرد. در این مطالعه ، بحث در مورد وضعیت قومی لقی ، که یک محصول قبیله ازبک ترک تبار هستند ، ظهور آنها تا مرحله تاریخی و نقش آنها در وقایع تاریخی ، هویت ازبکی و جایگاه آن در این هویت را مورد بحث قرار می دهد. در این مطالعه ، اگرچه سعی شده است اطلاعات مربوط به گذشته لقی ها را از لحاظ تاریخ ارائه شود ، اما بحث در مورد وضعیت قومی و قوم شناختی آنها نیز تا حدی گنجانده شده است. در این مطالعه ، از آثار نام هایی مانند زکی ولیدی توغان ( Z. Velidi Togan ) ، نصیر الدین نظراف ( Nasriddin Nazarov ) و محمد عالم فیض زاد ( Muhammed Alim Fezzad ) استفاده شد.

کلمات کلیدی: لقی ، ازبکی ، ابراهیم بیگ ، کاطغن ، دشتی قیپچاق

### ABSTRACT

#### AN UZBEK TRIBE NAMED THE UZBEK AMAZONIANS: LAQAYS

*The majority of Laqays living within the contemporary borders of Tajikistan, Uzbekistan and Afghanistan. As a result of the occurring political developments in Afghanistan they are forced to disperse from Afghanistan to Iran, Saudi-Arabia and Turkey. In this study, discussion about the ethnic status of Laqays, which we consider to be a product of the Uzbek tribe of the Turkish nation, their emergence to the historical stage and their role in historical events, the Uzbek identity and its place in this identity, and their current status in the regions where they live in, will be included. Furthermore, information on antecedents of the Laqays is tried to be given within the framework of disciplines of history, discussions related to their ethnic and ethnographic positions are partially included. Works from names such as Z. Veldi Togan, Nasriddin Nazarov, Olcobay Karatayev, Muhammed Alim Fezzad are utilized.*

*Key Words: Laqay, Uzbek, Ibrahim Beg, Kataqan, Deshti Kipchak*

دانشیار در دانشگاه زونغولداق بولند اجویت، دانشکده علوم و ادبیات – گروه [hatunoglu.nurettin@gmail.com](mailto:hatunoglu.nurettin@gmail.com) تاریخ

### مقدمه

در مورد معنی کلمه لقی و ظهور لقی ها با این اسم اتفاق نظری وجود ندارد با این حال نصیر الدین نظراف (Nesriddin Nazarov) می گوید که بر اساس حماسه "الاقای باتر- Alakay Batr" که یکی از حماسه های قومی قزاق است نام لقی (Lakay) از این قهرمان که در دشت قبیچاق زندگی می کرد بر گرفته شده است، و می گوید که لقی ها در قرن هجدهم در نتیجه حملات قالموق از سرزمین های قزاقستان به قلمرو امارت بخارا مهاجرت کرده اند.<sup>2</sup> باز هم، نظراف با اشاره به کاری به نام خاطرات اجداد ح. شفق اف (H. Şafakov) اصل این کلمه را قای "Kay" معرفی می نماید که بعداً این نام به لقی (Lakay) تبدیل شده است، و این روند همزمان با اشغال ماورالنهر توسط اعراب بوده که در مرحله اول در مقابل آنها ایستادند و جنگیدند ولی در مرحله دوم بعنوان مسلمان و مدافع اسلام ظاهر شدند بنابراین به نام لقی به معنای "اینها قای نیستند" (La-Kay) شناخته شدند<sup>3</sup> البته این دیدگاه احتیاج به تائید توسط منابع بیشتری دارد. نیز فواد کوپرولو (Fuat Köprülü) بیان نموده است که در دیوان فروخی که یکی از شاعران کاخ در دوره غزنویان بود از قبیله "قای" (Kay) ذکر شده است<sup>4</sup>، علاوه بر این ابرحاراد (Eberhard) (Hsi) را که موجود در منابع چینی به عنوان نام یک قبیله شناخته می شود آن را با واژه "قای" مرتبط می داند<sup>5</sup>. البته، اثبات کردن این مسئله نیاز به تحقیق و منابع دیگری دارد. در مورد منشأ لقی ادعا می شود که در دوره ای که عرب ها منطقه را تسخیر کردند (قرن های VII-VIII) همراه با قارلوق ها (Karluk)، از شرق (احتمالاً از منطقه تارباغاتای Tarbagatay امروزی) و از شمال دریای آرال (اردوی زرین Altın Orda به رهبری شیبان خان (قرن شانزدهم) به همراه ازبک های کوچنده ای که به منطقه زرفشان (Zerefşan) مهاجرت کرده بودند آمده اند. علاوه بر این ادعای متفاوتی وجود دارد مبنی بر این که آنها در قرن 13 همراه با چنگیز خان از شرق آمده اند و نام آنها به نام یکی از فرماندهان او یعنی لقی گذاشته شده است<sup>6</sup>.

اگرچه در مورد معنی و ریشه نام لقی اطلاعات دقیقی وجود ندارد اما می توان تا حدی وجود جامعه لقی در تاریخ اخیر را مطرح نمود. ذکر این نکته حائز اهمیت است که الکساندر برنس (Alexander Burnes) انگلیسی الاصل که در نیمه اول قرن نوزدهم به بخارا سفر کرده بود و توسط زکی ولیدی (Zeki Velidi) برنس "Borns" نامیده شده بود یادداشتی در مورد لقی ها نوشته است. کتاب سفر برنس مهم است زیرا هم آثاری است که این نام در ابتدا در آن ذکر شده است (تا آنجا که ما توانستیم دسترسی پیدا کنیم) و هم از لحاظ تعبیری که بکار برده است. طبق

<sup>2</sup> NAZAROV Nesriddin, "Lakaylar Degen Kımlar?", Sır Boyı 2017. Erişim: <https://old.syrbovi.kz/negizginews/12624-laaylar-degen-kımlar.html> (2021).

<sup>3</sup> NAZAROV Nasriddin - Ercan PETEK - Serdar DAĞISTAN, "Lakaylar ve Dilleri" *Türk Dünyası Dil ve Edebiyat Dergisi*, Sayı: 48, Güz, Ankara 2019, s. 271.

<sup>4</sup> KÖPRÜLÜ, Fuad "Kay Kabilesi Hakkında Yeni Notlar", *Belleten*, C. VIII, Sayı 31, Ankara 1944, s. 422.

<sup>5</sup> EBERHARD, W "Kay'lar Kabilesi Hakkında Sinolojik Mülâhazalar", *Belleten*, C. VIII, Sayı 32, Ankara 1944, s. 568.

<sup>6</sup> KARATAYEV Olcobay, "Kızgırlar ve Lakayların Etnik İlişkileri", *TÜRÜK Uluslararası Dil, Edebiyat ve Halkbilimi Araştırmaları Dergisi* 2016 Yıl:4, Sayı:7, s. 107.

سفرنامه ، بورنس با عبور از قندوز و بله از مسیر دهکده کوچوک هاچی سالو ( Küçük Hacı Salu ) از جیحون عبور کرده و وارد منطقه ای شده که ترکستان نام داشت.

بعداً بورنس ( Borns ) پس از ذکر مکان های قیز قودوق ( Kız Kuduk ) و شور قودوق ( Şor Kuduk ) عبارات زیر را به کار برد. "در نزدیکی کشوری که اکنون وارد آن می شویم ، قبیله ای ازبک به نام لقی وجود دارد که به دلیل گرایش به چپاولگری معروف است. در بین آنها عبارتی تحت عنوان اینکه "هرکسی که در رختخواب خود بمیرد سعادت مند نمی شود" وجود داشت. طبق این گفته ، یک لقی واقعی باید زندگی خود را در یک حمله یا "چوپانو" از دست بدهد. اگر چه گفته می شود که زنان گاهی همسرانشان را در غارتگریها همراهی می کردند ، اما به احتمال زیاد منظور این است که خانم های جوان کاروان هایی را که از نزدیک خانه هایشان عبور می کردند ، غارت می نمودند. این قبیله در نزدیکی هیسار ( Hisar ) ، یک محله عاشقانه زندگی می کردند. علاوه بر آمازونهای لقی ، سه یا چهار قبیله همسایه نیز وجود دارد که ادعا می کنند از فرزندان اسکندر بزرگ هستند<sup>7</sup>. " بر اساس این تشبیه قابل توجه بورنس ( Burnes ) ، عنوان مطالعه خود را یک اوروغ ( urug ) ازبک که مشهور به نام آمازونهای ازبک است: لقیها قرار دادیم.

قبل از ارزیابی تاریخ لقی ، که امروزه در میان اوروغهای ازبکها مورد بحث است ، لازم است جنبه های دیگری از لقی ها را مورد مطالعه قرار گیرد. جستجوی پاسخ برخی از سوالات در مورد آنها و روشن کردن برخی مفاهیم در درک بهتر موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا ما معتقدیم که ظهور لقی ها با این نام ارتباط مستقیمی با روند ظهور ازبک ها دارد. آیا لقیها از ازبکها مستقل بوده و یک قومی جداگانه است ؟ یا اینکه یک گروهی قوم نگاری ( اتنوگرافی) هستند؟ پاسخ این سوالات بسته به شرایط متفاوت است. پس از فروپاشی دولت اتحاد جماهیر شوروی ، پاسخی که با بررسی روند ایجاد یک دولت جمهوری پیرامون هویت "ازبک" ازبکستان و پاسخی که از منظر تاریخ عمومی در ترکیه داده شده است ، متناسب با یکدیگر نیستند.

مفهوم "قوم نگاری" ، که می توانیم آن را به عنوان روند شکل گیری ملت ها خلاصه کنیم ، در دوره شوروی بطور واضح مطرح شده بود. برخلاف دیدگاه هایی که ازبک ها را به عنوان یک ملت جداگانه می پذیرند ، ما فکر می کنیم که ازبک ها باید به عنوان نژادی از ترک ها و لقی را بعنوان شاخه ازبک قبول کرد. نباید فراموش کرد که قبایل در تاریخ ترکها متحد شده یا با نامهای مختلفی تقسیم شده اند. در تاریخ ترکها مرسوم است که نام قبیله ای در قبایل مختلف دیده می شود. به همین دلیل ، ما معتقدیم که لقی را باید به عنوان یک گروه قوم شناختی در نظر گرفت. امروزه مردم لقی که عمدتاً در ازبکستان ، تاجیکستان و افغانستان زندگی می کنند به عنوان ازبک پذیرفته می شوند. با این حال ، آنها همچنین می توانند در هویت قزاقستان و قرقیزستان جایی پیدا کنند. این وضعیت مربوط به روند شکل گیری هویت قبایل است. می توان بیانیه توگان ، "قبل از اشغال ماورالنهر ، زبانهای ازبکها با گویشهای قزاقستانی و نوگایی یکی بود"<sup>8</sup> را به عنوان مثال

<sup>7</sup>BURNES Alexander, *Travels Into Bokhara* Vol. I, Printed By A. Spottiswood, London 1834, s. 255.

<sup>8</sup> TOGAN Zeki Velidi, *Türkistan ve Yakın Tarihi*, Enderun Yay. İstanbul 1981, s. 47.

بیان نمود. همچنین این قضیه به ما سرخ‌هایی در مورد دلایل تاریخی نشان می‌دهد که چرا ویژگی‌های موجود در زبان لقی‌ها به گروه قبیچاق ازبکی تعلق دارند<sup>9</sup>.

از 155 زیر گروه لقی، 69 زیر گروه در عشایر مختلف دیده می‌شوند. 38 مورد از 69 نام نیز در قزاقستان دیده می‌شوند. بیش از 70 زیر گروه لقی توسط قاراتایو (O. Karatayev) شناسایی شده است، که در بین نام‌های قرقیزها هم در ارتباط است<sup>10</sup>. این مسئله با توجه به روند تشکیل قبایل ترکها تعجب‌آور نیست. ارزیابی این قبایل نه به عنوان یک ملت بلکه در چارچوب مفهوم قبیله (boy) ضروری است. با این حال، از آنجا که مطالعات هویت دوران اتحاد جماهیر شوروی قبایل را به عنوان ملت می‌پذیرد، بین هویت‌های جدید و روند تاریخی مغایرت وجود دارد. این وضعیت با روند تاریخی تاریخ ترکستان در پنج قرن اخیر و پروژه‌های مرزی و هویت (kimlik) تحمیل شده در دوره اخیر ارتباط نزدیکی دارد. به همین دلیل، مرزهای تاریخی و مکانی مطالعه در این زمینه ترسیم شده است. هیچ کار خاصی در مورد تاریخ لقی در ترکیه وجود ندارد و معمولاً از کارهایی مثل نصیرالدین نظراف (Nesridin Nazarov)، زکی ولیدی توغان (Z. Velidi Togan) و محمد عالم فیض‌زاد (Muhammed Alim Feyzzat) استفاده می‌شود.

### 1- ظهور هویت ازبک و قبایل ازبک

یک نظر عمومی وجود دارد مبنی بر اینکه ازبک‌ها با مخلوط‌های ژنتیکی قومی از عناصر ترکی و غیر ترکی هستند که از اولین دوره‌های تاریخ در قلمرو فعلی ازبکستان زندگی می‌کنند. در این مورد می‌توان دیدگاه‌های دانشمندان مثل او. دانیارو (O. Danyarov) - احمد علی عسگر (Ahmedali Askerov) - کریم شانیاو (Kerim Şaniyazov) - اورال ناصر (Oral Nasirov) - د.ا. عالم او (D.A. Alimov) - ا.ا. اشیراو (A.A. Aşirov) - او. بوریو (O. Boriyev) را به عنوان مثال ذکر کرد. در این بخش از مطالعه، از بخشهایی مربوط به قبل از آمدن ازبکها از دشتی قبیچاق و تصرف کردن این سرزمینها بحث نخواهد شد. بر خلاف مطالعات فوق، ظهور مفهوم ازبک و روند تاریخی ازبک‌ها مورد تأکید قرار خواهد گرفت. از دیدگاه مفهوم "اتنوم" Etnonim که به ظهور و معنای نام ملتها می‌پردازد، مشاهده می‌شود که نظرات مختلفی در مورد ظهور و معنای نام ازبک وجود دارد. با توجه به معنای آن، "Ozi Ozige Bek" (بیگ برای خودش) یعنی فرد یا افراد آزاد زندگی می‌کنند. با این حال، نظرات مختلفی در مورد محل و چگونگی پیدایش این نام وجود دارد. همچنین ارزیابی‌هایی وجود دارد که این نام از اوغوز خان (Oğuz Han) یا اسپک (İspek) که یک حاکم اسکیت (İskit) بوده است گرفته شده است.

در زمینه بیان این قوم، رایج‌ترین نظر این است که این اسم به خاطر ازبک خان که پادشاه اردوی زرین (Altın Orda) بود به پیروان این خان داده شده است. ارزیابی‌ها به این صورت انجام می‌شود که نام عمومی طوایف و قبایلی که در اطراف ابولهایر و نوه او شیبیان خان جمع شده بودند، در آکوردا بجای یک ملت جوجی (CUCI) به عنوان گروهی از قبایل ترک-مغول

<sup>9</sup> NAZAROV Nesridin, *Lakayler; Dialektologiya ve Frazzeologiya*, Taşkent 2010, s. 2.

<sup>10</sup> NAZAROV vd, *a.g.m.*, 278.

شناخته می شدند.<sup>11</sup> ازبکها برای اولین بار در دوره ازبک خان (1340-1313)<sup>12</sup> ذکر شدند ، که دومین حاکم پس از برکه خان بود که اسلام را در دولت اردوی زرین پذیرفت. به گفته یاقوبوفسکی ( Yakubovskiy ) ، حمدالله قزوینی ، مورخ و جغرافی دان قرن 14 ، هنگام صحبت در مورد لشکرکشی بر روی آذربایجان ، از سربازان خان ازبکی به عنوان "ازبکان" یاد کرده است. قزوینی همچنین از اردوی زرین به عنوان ممالک ازبک Mamlakat-i Uzbeki ، یعنی کشور ازبکان یاد کرده است.<sup>13</sup>

همچنین در اثر هایی که در قرن چهاردهم و پانزدهم به زبان عربی و فارسی نوشته شده است از قبیل نصیرالدین بن الفرات ( 1334 - 1404 ) ، العاصدی ( 1377 - 1447 ) ، نظام الدین شامی (قرن پانزدهم) ، عبدالرزاق سمرقندی ( 1413 - 1482 ) ، خاندامیر ( 1475 - 1535 ) ، معین الدین نطنزی (قرن پانزدهم) دشت قیپچاق در قسمت شرقی آرال و دریای خزر تا مناطق شمالی سبیری غربی ، از سواحل شمالی رودخانه اتیل و یاییک ( Yayıq و Itil ) تا دریاچه بالکاش ( Balkaş ) و اطراف چو ( Çu ) ، قبایل ترک-مغول را به عنوان ازبک یاد کرده اند.<sup>14</sup> به این ترتیب نام ازبکی مترادف با نام یکی از مهمترین حاکمان دولت گروه اردوی زرین در دشتی قیپچاق شد. با این حال ، در آستانه و پس از ورود ازبکها به خاک فعلی ازبکستان ، دو نام دیگر از نظر تاریخ سیاسی برجسته شدند که اینها ابولخیر خان و شیبانی خان بودند.

خاندان معروف به شیبانی ، نام خود را از اسم شیبان (Şiban) گرفته است که پدرش جوجی ( Cuci ) پسر بزرگ چنگیز خان بود. شیبان در هنگام سفر به مجارستان در سال 1241 توجهات را به خود جلب کرد و در بازگشت ، منطقه ایی از رودخانه های ایرگوز ( Irgız ) ، ساووک ( Savuk ) و ایلیک ( İlek ) تا کوههای اورال محل اقامت تابستانی وی بود. قبایل آراکوم ( Arakum ) ، کاراکوم ( Karakum ) ، سیریدریه ( Sırı Derya ) ، رودخانه چو ( Çu ) و ساریسو ( Saru Su ) به عنوان خوابگاه زمستانی داده شدند.

پس از اینکه فرزندان شیبان برای مدت طولانی سلطه خود را در این مناطق ادامه دادند ، آنها به مناطق تیومن ( Tumen ) و توبولسک ( Tobolsk ) در سبیری غربی مهاجرت کردند و قبایل ساکن در اینجا را تحت سلطه خود گرفتند. آنها گاه گاه به ترکستان نیز سفر می کردند. اولین خان مربوط به کسانی که از این تبار در منطقه سبیری غربی بودند ، ابوالخیر خان بود ( 1468 - 1468 )<sup>15</sup>. ابوالخیر خان که توانست عناصر معروف به ازبک در این منطقه رامتحد نماید و قدرت ازبک ها را به صورت جدی افزایش دهد و سرزمین های چاغاتای در شمال سبیری دریا را تصرف نماید. همچنین با دخالت در ماوراءالنهر در امور داخلی پسران تیمور دخالت کرد. در

<sup>11</sup> NASIROV Oral, *Özbekler Şeceresi, (Etnik Tarihge Halis Nezer)*, Extremum Pres Neşriyatı , yy 2012, s. 326-327.

<sup>12</sup> KAFALI Mustafa, "Özbek Han" *Türk Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, İSAM Yayınları, C. 34, 2007, s. 108.

<sup>13</sup> YAKUBOVSKIY A. Yu. , *Altın Ordu ve Çöküşü*, Çev: Hasan Eren, TTK Yayınları, Ankara 2000, s. 53.

<sup>14</sup> KAMALOVA Zebiniso "Özbeklerin Ulusal Oluşumu", *Millî Kültür Araştırmaları Dergisi (MİKAD)* Cilt: 1- Sayı: 2- Aralık 2017, s. 166.

<sup>15</sup> TÜRKÖĞLU İsmail, "Şeybaniler", *Türk Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, İSAM Yayınları, C. 39, 2010, s. 45.

اطراف ابولخیر قبیله های کیات ( Kiyat ) ، منگیت ( Mangit ) ، اوترچی ( Uterçi ) ، اوگریش نایمان ( Ugrış Nayman ) ، توبای ( Tubay ) ، تایماس ( Taymas ) ، چت ( Çet ) ، هیتای ( Hitay ) ، باراک ( Barak ) ، اویگور ( Uygur ) ، کارلوک ( Karluk ) ، کینجس ( Kineges ) ، اویشون ( Uyşun ) ، کورلاوت ( Kurlavut ) ، یمچی ( Yemçi ) و مینگ ( Ming ) موجود بودند. بعد از فتح منطقه خارزم در اطراف ابولخیر ، این بار در شمال سیری دریا قبایلی مثل نایمان ( Nayman ) ، اویگور ( Uygur ) ، قنگورات ( Kongurat ) ، دورمن ( Durmen ) ، تانگوت ( Tangut ) ، چیمبای ( Çımbay ) ، بورکوت ( Burkut ) ، اویشون ( Uyşun ) ، کینگز ( Kineges ) ، کوشچی ( Kuşçi ) اضافه شدند. بنابراین ، ابولخیر بر کل منطقه دشتی قبیچاق تسلط یافت<sup>16</sup> )

وحدتی که از طرف ابولخیر در میان قبایل ازبکها برقرار شده بود در مدت زمان کوتاهی از بین رفت. در نتیجه جامعه ازبک در نیمه آخر قرن 15 به سه گروه تقسیم شدند. آنها ازبک ، قزاق و منگیت - نوگایها می باشند.<sup>17</sup> امروزه وجود تبارهای یکسان و یا مشابه در قبایل قزاق و ازبک ، قرقیزستان ، نوگای و باشکیر و دلیل شباهت لهجه بعضی از تبارهای ازبک ( تاتار - لقی - قنگرات ( Kongurat-Lakay-Tatar ) و غیره) به لهجه های قزاق-قرقیز ( قبیچاق ( Kipchak ) نیز مربوط به این دوره ها می باشد.

وحدت ازبکها دومین بار به وسیله محمد شیبانی برقرار شد (1500-1510).<sup>18</sup> دوره ظهور شیبانی خان مصادف با پاشیدگی تیموریان بود. قبایل ازبکها به فرماندهی شیبانی خان وارد منطقه ماورالنهر شدند و در مدت کوتاهی اداره امور را به دست گرفتند. بنابراین ، نام ازبک برای اولین بار در متن رسمی در منطقه ماورالنهر و منطقه خوارزم ظاهر شد. از قبایل ازبک های دشت قبیچاق مانند جلایر ( Celayir ) ، آرات ( Arlat ) ، نایمان ( Nayman ) ، سارای ( Saray ) ، اویگور ( Uygur ) ، قتغان ( Katagan ) ، دورمن ( Durmen ) ، کینگز ( Kineges ) ، قرق ( Kırk ) ، یوز ( Yüz ) ، منغت ( Mangit ) ، کونگرات ( Kongurat ) ، منگ ( Ming ) ، قوشچی ( Kuşçu ) در قرن 14 و 15 آمدن به این مناطق شروع کرده بودند. این ازبک های مهاجر نفوذ بیشتری در دره زرفشان و مناطق جنوبی کشور داشتند و مردم محلی در این مناطق شروع به معروف شدن به ازبک نمودند.<sup>19</sup>

دوره خانان در جغرافیای ترکستان با شیبانی خان آغاز شد ، که تا زمان حمله اتحادیه جماهیر شوروی به امارات بخارا در سال 1920 ادامه داشت. در این دوره ، وجود سیاسی قبایل ازبک ، که با نام های مختلف به عنوان قدرت غالب شناخته می شدند و نیز نام کسانی که با پدر بزرگ شیبانی خان یعنی ابوالحیر رابطه داشتند ، ابوالخیریان نیز نامیده می شدند . شاخه دیگری از نژاد شیبانی نیز بخاطر عربشاه ب. پولاد ( Arabşah b Pulâd ) به عربشاهی معروف شدند. در طول قرن شانزدهم ، ابوالخیری ها در قزاقستان جنوبی امروزی ، ازبکستان جنوبی و شرقی ،

<sup>16</sup> NASIROV, a.g.e, s,333.

<sup>17</sup> TOGAN, a.g.e, s. 36.

<sup>18</sup> ROUX Jean-Paul , *Türklerin Tarihi*, Çev: Galip Üstün, AD Yayıncılık, İstanbul 1997, s. 203-204.

<sup>19</sup> ASKEROV Ahmedali , *Ozbek Halkının Etnogenezi ve Etnik Tarihi*, Universitit Neşriyatı, Taşkent 2007, s. 265-266; HAYDAROV A..H. - O. BORİYEV- A.A. ASHİROV, *Merkezi Asya Halkları Etnografyası, Etnogenezi ve Etnik Tarihi*, Yangi Nashr, Taşkent 2011, s. 60.

تاجیکستان و افغانستان شمالی حکومت می کردند. در قرون 16 و 17، عربشاهی ها هم در ترکمنستان، ازبکستان غربی امروزی و پایین آمودریا سلطه داشتند<sup>20</sup>. کسانی که به این مناطق به نامهای مختلف قوم و قبیله آمده بودند، به دلیل روند مشترک تاریخی که در دشتی قبیچاق زندگی می کردند نام مشترک ازبک برای خود گرفتند.

در دوره خانان، که خاندانهای ازبک در صف مقدم بودند و حدود 5 قرن به طول انجامید، ازبک ها پی که از دشتی قبیچاق آمده بودند با قبیله هایی که از قبل ساکن این منطقه بودند مانند چگیل (Çiğil)، قانگلی (Kanglı)، اوز (Uz)، آرغون (Argun)، توحسی (Tuhsi)، یاغما (Yağma)، دوغلات (Duğlat)، قارلوق (Karluk)، حالاج (Halaç)، تورکش (Türkeş)، چغراق (Çığrak)، قیچاق (Kıpçak)، اوغوز (Oğuz)، بارلاس (Barlas)، تارخان (Tarhan)، جلایر (Celayir)، تولقچی (Tulkiçi)، دول دای (Dulday)، مونغول (Mongul)، سیل دوس (Sildus)، تورای (Turay)، آرات (Arlat) و تاتار (Tatar) که قبایل ترکی و یا مغولهای ترک شده بودند باهم ادغام شده اند<sup>21</sup>.

علاوه بر این با ادغام "ترکان شهری" که به هیچ قبیله ای (boy) منسوب نبودند و مدتها در این سرزمینها زندگی می کردند و در شهرها و روستاهای ترکستان غربی و شرقی زندگی می کردند و به لهجه های مختلف گویشی نزدیک به زبان ادبی به نام چاغاتای<sup>22</sup> (به خاطر چاغاتای خان (Çağatay Khan) و پسرانش به این اسم شناخته می شد) سخنرانی میکردند قبیله ازبک ظهور کرد. اصطلاح ازبک معنای سیاسی و ملی را در دوره اتحاد جماهیر شوروی پس از 1924 پیدا کرد و به نام عمومی ترکان در منطقه تبدیل شد. امروز، حضور جوامع پرجمعیتی که به عنوان ازبک در مناطق مرزی قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و افغانستان نزدیک به ازبکستان تعریف می شوند، با وجود خارج بودن از مرزهای تقسیم شده در سال 1924، مربوط به این روند است که در این مقاله سعی می شود به طور خلاصه بیان شود. با ذکر قبایل ازبک، اولین چیزی که به ذهن خطور می کند "92 قبیله ازبک" است. با این حال، در آثاری که در دوره های مختلف نوشته شده اند، علاوه بر شباهت این لیست، از نظر نام قبیله ها یکنواختی وجود ندارد.

با توجه به اطلاعات به دست آمده از مطالعه کتاب مجموعه التواریخ و نصفنامه ملا سیف الدین و کتاب تحفه التواریخ خان آقای عوض محمد، به تعداد 4330 عدد دست نوشته موجود در انستیتوی شارکشیناسلیک، کتاب کیتیر، نتایج کارهای تحقیقاتی آ. هاراشین (A. Haraşin) که یک فرد برجسته در مورد قبیله های ازبک است، لیستی از 92 قبیله ازبک در مجله یاشلیک (Yaşlık) در ازبکستان منتشر شده است.

در جدول، اولین اثر مجموعه التواریخ که در قرن شانزدهم به ثبت رسیده است و نیز اطلاعات مربوط به هاراشین به عنوان دوره اخیر جا داده شده است<sup>23</sup> هنگام مشاهده این جدول، مشاهده می شود که بسیاری از قبیله ها در هر 6 اثر وجود دارد، همچنین قبیله ای که در یک لیست وجود

<sup>20</sup> TÜRKÖĞLU, a.g.m, s. 46.

<sup>21</sup> ŞANİYAZOV Kerim, *Özbek Halkının Şekilleniş Cereyanı*, Şark Neşriyatı, Taşkent 2001, s. 393-399.

<sup>22</sup> TOĞAN, a.g.e, s. 48.

<sup>23</sup> Yaşlık Cümeli No :1 (154) Özbekistan 1997, s. 39-43.

دارد در لیست دیگری وجود ندارد. بعضی اوقات قبیله‌هایی نیز هستند که در بقیه نیستند اما فقط در یک لیست هستند. از آنجا که ذکر تمام قبایل در لیست فراتر از حیطه این مطالعه است، جدول فقط از لحاظ قبایل لقیها و قطعنها که مربوط به موضوع ما هستند، مورد ارزیابی قرار گرفته است. از این منظر مشاهده می‌شود که نام قطعن در همه موارد به جز اولین اثر ذکر شده است، در حالی که لقی‌ها در جدول آخر ذکر شده اند.

## 2- لقی‌ها به عنوان یک اورغ (urug) ازبک

طبق دایره المعارف ملی ازبکستان، لقی‌ها از مردم ازبک هستند که قبلاً عمدتاً در مرزهای گدایان هیسار و بلجوان امارت بخارا زندگی می‌کردند، امروز آنها در بخش دنوف (Denov) استان سورهندیا (Surhendeyra) و بخشهای سامانیان (Samaniyan)، کافرانیان (Kafirnihan) و هیسار در تاجیکستان و مناطق کورگانتپه (Korgantepe) و کولاب (Kulap) استان هالتان (Haltan) زندگی می‌کنند.

علاوه بر این، در استانهای باگلان (Bağlan)، کندوز (Kunduz) و بلخ (Belh) در افغانستان، استان کراچی در پاکستان، استانهای مکه و مدینه در عربستان سعودی، استانهای هاتای (Hatay) (Ovakerent) (اوکنت)، شانلیورفا (Şanlıurfa) (جیلانپنار) و استانبول (Zeytinburnu) (زیتینبورن) در ترکیه، در بخش قزل حصار در پایتخت ایران (تهران) و نیز در استانهای شیراز، زاهدان، کرمان، قزوین و هرمزگان زندگی می‌کنند. تخمین زده می‌شود که تعداد کل آنها بیش از 1 میلیون نفر باشد که 500 هزار نفر آنها در تاجیکستان و بیش از 500 هزار نفر در کشورهای دیگر هستند. لقیها در قندوز از ترس ناشی از واقعه ابراهیم بیگ لقی، خود را ازبک معرفی نمی‌کنند و نیز عدم مطالعه واقعی درباره تعداد ترکها در افغانستان این احتمال را ایجاد می‌کند که جمعیت لقی حتی بیشتر باشد<sup>24</sup>.

هنگام صحبت در مورد مکان‌های زندگی لقیها، باید توجه داشت که بین کسانی که در ازبکستان، تاجیکستان و افغانستان زندگی می‌کنند و کسانی که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند تفاوتی وجود دارد. لقیها در کشورهایهایی که در بالا ذکر شد مردم بومی این سرزمین‌ها هستند. اما، در نتیجه حوادث سیاسی که پس از حمله شوروی به افغانستان در دوره اخیر رخ داد، لقیهای موجود در بین ترکهای افغانستان با تصمیم شورای وزیران ترکیه در سال 1982 به ترکیه آورده شدند و به آنها حقوق شهروندی و برخی از حمایت‌های اقتصادی دادند، و کسانی که به کشورهای دیگر پراکنده شدند تعداد کمی بودند و به کشوری که اخیراً در آن زندگی می‌کنند رفتند. از این نظر، ضمن انجام مطالعه در مورد لقی، نباید فراموش کرد که آنها روزی در سرزمین‌هایی زندگی می‌کردند که همگی متعلق به خانات بخارا بودند. نباید این نکته را نادیده گرفت که مردم لقی به عنوان مردم بومی پرجمعیت در مناطق مرزی ایالاتی مانند افغانستان، ازبکستان و تاجیکستان زندگی می‌کردند.

لقیها به 4 شاخه تقسیم شده‌اند که آنها اسنخواجه بادر اهلی بایرام و تورت اول نامیده میشوند. لقیها تا سالهای 1920 در داخل مرزهای امارت بخارا زندگی می‌کردند. شاخه اسنخواجه و بادر اهلی کی

<sup>24</sup> AMIROV Abdusettar, *Özbekistan Milli Ansiklopediyası*, "Lakay Maddesi", Devlet İlmi Neşriyatı, Taşkent 2013, s. 58-59; NAZAROV vd a.g.m, s.273; NAZAROV, *Sır Boyu*.



در بکلیک حصارزندگی میگردند به نام لقیهای حصار مشهور هستند. در بکلیک بلجوان مقیم بودن لقیهای بایرام و تورت اول به نام لقیهای بلجوان مشهور هستند<sup>25</sup>

به نظر ما، افزودن لقیهای قطغن به این طبقه بندی، ارزیابی اشتباهی نخواهد بود. زکی ولیدی با اشاره به اثری با عنوان "احوال سفر بخارا" میر عزت الله هندی درباره قبایل ترک و لقی ها در افغانستان استناد کرد و استان قندوز را کاملاً به عنوان قطغن نشان داد. به گفته وی، گروه (urug-عروغ) قطغن به سه قبیله (اویماق-Oymak) تقسیم می شود. اینها بش قبا، سالجوت و تورت اتا هستند.

شاخه بش قبا شامل پنج زیر شاخه از جمله لقی، یانگی قطغن، کسمور، کایان و ماناس می باشند<sup>26</sup>. امروز لقی در افغانستان بیشتر در استانهای بغلان و قندوز، اطراف شهر لشکرگاه استان هیلند، ایسکامیش، امام صاحب و رستاک در استان طهار، الچین دامشاه، کاله چه، علی آباد در قندوز، هوجا باهویدین در استان طاهار، حاجی بابا نظر و پولومری در باگلان دست زندگی می کنند<sup>27</sup>

در منطقه ازبکستان و تاجکستان شاخه اسن خواجه به 12 زیرشاخه تقسیم شده است که شامل قوردک، نارین، آفساری، اوتارچی، اوزدن، طویاچی، قول بچه، میرزاغل، آلتمش، مالش، قونتو و قولومیت هستند. شاخه بادراهللی به 8 زیرشاخه تقسیم شده است که آنها قزلبای، کلکی، پارچا، جونس، کته، مرگن و کچیک مرگن هستند. شاخه بایرام نیز شامل زیر شاخه هایی مثل تورت، اتا، شاکلی، داوت، چگنه می باشد و شاخه تورت اول از زیر شاخه های اوچ اول، سویوندک، بورندق، چال و کوسه تشکیل یافته اند<sup>28</sup>.

ارزیابی وضعیت قومی و روندهای تاریخی لقی در روند قومی و تاریخی ترکان ازبک ضروری است، که سعی کردیم در بالا خلاصه کنیم. از این نظر، لقی ها می توانند در لیست های ذکر شده در مورد 92 قبیله ازبک فقط در جدول اخیر جایی پیدا کنند.

جای گرفتن نام قطغن با لقیها در یک لیست باعث می شود که این دو قبیله به عنوان اقوامی مستقل از یکدیگر شناخته شوند.

در حالی که، زکی ولیدی توگان بر اساس لیستی که میر عزت الله هند در مورد قبایل ازبک در ترکستان افغانستان در آغاز قرن نوزدهم تهیه کرده است لقیها را به عنوان زیرشاخه قبیله قطغن به تصویر می کشد. این وضعیت باعث می شود ما احتمال بدهیم که این دو قبیله نمی توانند قبیله های متفاوتی باشند و لقی ها از قطغن جدا شده و به مرور زمان نام دیگری پیدا کرده است. حداقل، ممکن است تصور شود که این مسئله در مورد لقی ها در منطقه افغانستان وجود دارد. یا اخیراً، لقی ها از نظر جمعیت و وضعیت قویتر شدند و تحت سلطه قبیله ازبکستان به یک عروغ تبدیل شدند.

3- اشغال مناطقی که لقیها سکونت داشتند

<sup>25</sup> NAZAROV vd, s.278.

<sup>26</sup> TOGAN a.g.e., s. 45.

<sup>27</sup> NAZAROV Nesridin, *Alfğanistan Özbekleri*, yy, Taşkent 2011, s. 15-16.

<sup>28</sup> NAZAROV vd., a.g.m, s. 278

ترکستان جنوبی منطقه ای از استان های شمالی افغانستان را شامل می شود. اکثر قریب به اتفاق ترکها در افغانستان نیز در این منطقه به نام ترکستان افغانستان یا به اختصار ترکستان زندگی می کنند. این منطقه که به ترکستان زمین و سمت شمال نیز معروف است، اگرچه بصورت رسمی نیست، اما در بین مردم به دو کشور ترکستان و قطغن تقسیم می شود. قطغن، که نامی از قبایل ازبک است، مربوط به قسمت شمال شرقی کشور افغانستان است که هم مرز با تاجیکستان نیز هست.<sup>29</sup>

در ازبکستان و تاجیکستان، مناطق ساکن لقیها نزدیک به منطقه قطغن است. در حالی که در منطقه ترکستان شهرهایی به نام های فایراپ، جوزجان، سرپیول، بلخ و سمنگان وجود دارد، در منطقه قطغن استان های باگلان، قندوز، تهار و بدخشان وجود دارد. اگرچه هیچ ثبت رسمی از این منطقه وجود ندارد با این حال تقریباً 8 میلیون ترک در اینجا زندگی می کنند که اکثریت قریب به اتفاق آنها به قبیله ازبکستان تعلق دارند.<sup>30</sup>

ذکر نام قطغن که مربوط به لقیها است در مناطقی غیر از ازبکستان از قبیل نوگای، قزاقستان و قرقیزستان که حتی از نظر جغرافیایی به این منطقه نزدیک نیستند<sup>31</sup>، را می توان به تحولات در منطقه دشتی قیپچاق در تشکیل ازبک ها مربوط دانست. وقتی به ابتدای تاریخ ازبک ها در این منطقه نگاه می کنیم، با شیبیان خان و خانان بخارا که او تأسیس کرده مواجه می شویم. خانان بخارا، که پس از تصرف سرزمین تیمور توسط شیبیان خان تأسیس شد، در دوران منگیت به امارت بخارا معروف شد. فتوحات ازبکستان از دوره شیبیان خان در ترکستان جنوبی، جایی که قبلاً دیگر ترک ها در آن زندگی می کردند، آغاز شد. با تصرف شهر بلخ، که تیموریان با عبور از رودخانه آمو دریا آخرین قلعه هرات را در سال 1507 تصرف کردند، در سال 1506 سلطه ازبک ها که حدود دو قرن طول کشید در منطقه آغاز شد. شیبیان خان پسر دوم خود خرم شاه سلطان را به این منطقه منصوب کرد. با مرگ شیبیانی و با پیروزی شاه اسماعیل در سال 1510، حاکمیت برای مدتی به دست صفویان افتاد.

با این حال، پس از مدتی کوتاه، حمله ازبک ها به این منطقه دوباره آغاز شد و از سال 1526 به بعد، سمرقند پس از بخارا و تاشکند و شهر بلخ، به چهارمین منطقه اداری اصلی خانان بخارا تبدیل شد.<sup>32</sup> در تاریخ خانان بخارا، منطقه بلخ که در جنوب آمو دریا واقع شده بود، سیر و ویژگی تاریخی متفاوتی داشت. این منطقه از تاجیکستان امروزی که ازبک ها و لقی ها در آن زندگی می کردند، توسط خارجی ها زودتر اشغال شد. در این منطقه که پیش از اشغال بخشی از خانان بخارا بود، با توجه به تغییر غوبار (Gubar)، ساختاری بدون مدیریت مرکزی منوط به

<sup>29</sup> FİRÜZ Fevzi, "Afganistan'da Türk Kültürü ve Edebiyatı Üzerine Bir Araştırma", *Batman University Journal of Life Sciences*, Vol: 1 Number: 1. Yıl 2012, s. 551; EROL, Mehmet Seyfettin ve Fazıl Ahmet BURGET, "Afganistan Özbekleri", *Avrasya Dosyası*, Sonbahar, Sayı: 3 Yıl: 2001, s. 106

<sup>30</sup> NAZAROV, *Afganistan...*, s.7.

<sup>31</sup> AKPUNAR Arzu "Nogay Ulusunu Oluşturan Boylar ve Nogayların Kökeni Meselesinde Bu Boyların Önemi", *Uluslararası Türk Kültür Coğrafyasında Sosyal Bilimler Dergisi (TURKSOSBİLDER)* Cilt: 03, Yıl: 2018, Sayı 02, s. 35.

<sup>32</sup> ÇELİK Muhammed Bilal, "Buhara Hanlığı ve Afganistan", *Akademik Bakış*, Cilt: 13, Yıl 2020, Sayı 26, Yaz, s. 330-332.

دولت مرکزی شکل گرفت. تا سال 1749، زمانی که دولت عبدالی (دورانی) در قندهار در واکنش به انحطاط خانات بخارا تأسیس شد، قبایل ازبک در استان های جوزجان، بلخ، فاریاب، میمنه، طهار و سایر استانها مستقر شدند و سرانجام به مردم بومی منطقه تبدیل شدند.<sup>33</sup> آنها از نظر سیاسی کاملاً تحت سلطه دولت افغانستان نبودند، اما به مدت طولانی در قالب اداره های محلی به حیات خود ادامه دادند. قوی ترین این دولت های محلی، ولایت قندوز بود که در ابتدای قرن 19 با کابل در سطح سفارت روابط برقرار کرده بود. در دوره شاه دوست محمدخان افغان (1826-1863) در دهه 1850، این حاکمان ازبک، که بدون وحدت زندگی می کردند، یکی یکی اسیر شدند و کاملاً تابع حکمرانی کابل شدند. در زمان عبدالرحمن خان (1880-1901) پشتونها در این مناطق مستقر شدند و تبعید ازبکها به مناطق دیگر منجر به شورش شد، اما به نتیجه نرسید<sup>34</sup>

لّقی های خارج از مرزهای افغانستان مرکز ثقل جمعیت فعلی لّقی را تشکیل می دهند. افزایش فعالیت های لّقی ها در منطقه قولاب که در مرزهای تاجیکستان است، مصادف با دوره (1747) سقوط آستراخانی ها است. این وضعیت به طور موقت از حماسه آلاقی باتر و ادعاهای آمدن به جغرافیایی که پس از حملات کالموک در آن زندگی می کنند پشتیبانی می کند.<sup>35</sup> به گفته بورجیان (borciyan)، با سقوط آستراخانی ها، به تدریج نقش غالب در قولاب توسط قبیله لّقی ازبک، که از شمال غربی به منطقه وارد شد، به دست گرفت. اندکی پس از آنکه ازبکهای قطغن حاکمیت خود را در قندوز برقرار کردند، رهبر آنها بیگ-مراد خان (درگذشت 1698-99) نفوذ خود را به سمت شمال گسترش داد و پسرش را به عنوان فرماندار منصوب کرد. نفوذ ازبک ها ادامه داشت تا جایی که مقامات محلی در جنوب آمو دریا توسط بنیانگذار افغانستان، احمد شاه دورانی، این مناطق را تصرف کردند.<sup>36</sup>

اگرچه مردم لّقی ازبک محسوب می شوند، اکثریت جمعیت آنها در مرزهای تاجیکستان امروز زندگی می کنند. همانطور که در بالا سعی کردیم خلاصه کنیم، سلطه ترکها در منطقه قطغن با تاریخهای قبلی همزمان بود، اما منطقه ای که لّقی های هیسار و بلجوان در آن زندگی می کردند، در دوره بعد در معرض اشغال خارجی قرار گرفت. مرزهایی که در سال 1924 با استقرار حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی در این سرزمین ها ترسیم شد و تحولات پس از آن باعث اتفاقات منفی لّقی ها در خارج از افغانستان شد (به استثنای مرزهایی که در مرزهای ازبکستان باقی مانده اند). جدایی تاجیکستان، جمهوری خودمختار وابسته به اتحاد جماهیر شوروی ازبکستان از ازبکستان با به دست آوردن وضعیت جمهوری در سال 1929<sup>37</sup> لّقی ها را مجبور کرد در یک ساختار اداری غیر ترک مانند افغانستان زندگی کند. مانند سایر جمهوری های ترک در روند ساخت دولت ملی، در تاجیکستان هم مشکلاتی در مورد پذیرش رسمی هویت های قومی وجود داشت. علیرغم این وضعیت نامناسب، طبق داده های 2010، ازبک ها متشکل از قبایلی مانند

<sup>33</sup> غویار، میر غلام محمد، *افغانستان در مسیر تریخ، دولتی مطبوعه کابل، افغانستان 1967* ص. 276.

<sup>34</sup> NAZAROV Nasriddin, "Some Historical Aspects of Development of Uzbek Ethnos in The Afghanistan", *International Scientific Journal Theoretical and Applied Science*, Issue: 11, Vol: 79, Year: 2019, s. 409.

<sup>35</sup> NAZAROV, Sır Boyı.

<sup>36</sup> BORCIYAN Habib "Kulab" *Encyclopaedia Iranica*, Erişim: <https://iranicaonline.org/articles/kulab>, 2020.

<sup>37</sup> ROY Oliver, *Yeni Orta Asya ya da Ulusların İmal Edilişi*, çev. M. Moralı, Metis Yayınları, İstanbul 2009, s. 100.

لقی و قطعن و دور من پس از تاجیک ها در تاجیکستان پرجمعیت ترین گروه قومی با نرخ 13.9٪ را تشکیل می دهند<sup>38</sup>

### 3 شخصیتی معروف در تاریخ اخیر لقیها: ابراهیم بیگ لقی

پس از لغو امارت بخارا توسط بلشویک ها در سال 1920، جمهوری شوروی خلق بخارا توسط روشنفکران مورد حمایت آنها تأسیس شد. یکی از شدیدترین درگیری ها علیه بلشویک ها و دولت تازه تأسیس در منطقه ای به نام بخارای شرقی رخ داد. لقیی ها که عمدتاً در هیسار و بلجوان زندگی می کردند نیز در این مبارزه نقش فعالی داشتند. در این مبارزات از اسم ابراهیم بیگ لقی بیشتر یاد شده است. روابط وی با عالم خان آخرین حاکم امارت بخارا و انور پاشا، که شخصیت های تاریخی و بحث برانگیز آن دوره بودند، وی را به یک شخصیت تاریخی تبدیل کرد.

علی بادمچی، یکی از محققان مهم در مبارزه ملی ترکستان، از عبارات زیر برای ابراهیم بیگ لقی استفاده می کند؛ "ابراهیم بیگ لقی چهره بارزی در مبارزه ملی ترکستان در قرن گذشته بود. وی در امارات با یورش به پاسگاههای روسیه کار خود را آغاز کرد و در مدت کوتاهی شهرت زیادی کسب کرد. او یک طرفدار صادق امیر بود. لقی توگای ساری ( tugay sari ) همچنین قوی ترین مرد ابراهیم بیگ بود. ابراهیم بیگ بر شهر دوشنبه و توگای ساری بر مناطق کرگان تپه و کولاپ تسلط داشتند. او از عالم خان رتبه های زیادی کسب کرده بود"<sup>39</sup>. نباید از این نکته غافل شد که، علیرغم این ارزیابی ها، نظرات مختلفی در مورد نحوه و تاریخ فعالیت نظامی ابراهیم بیگ وجود دارد.

نام اصلی وی محمد ابراهیم بود و یکی از اعضای لقی های حیصار، از قبیله اسن خواجه بود. وی در سال 1889 در روستای کوکناش متولد شد. پدر او چاکا بیگ توکسابا ( Çakabay Toksaba ) که مسئول اداره امارت بود. وی همچنین به ملا ابراهیم مشهور بود زیرا وی جوانی خود را در تحصیل تعلیمات دینی گذرانده بود. پس از سقوط امارت بخارا، گروههای لقی وابسته به آن، به همراه ازبکها و تاجیکها، برای به قدرت رساندن دوباره عالم خان علیه روسها جنگیدند. عالم خان که بخاطر خدماتی که به بیگ هیسار داشت، درجه قاراقول بگی ( karakul begi ) را دریافت کرده بود، پس از عبور عالم خان به افغانستان و دریافت عناوینی چون میر دیوانبگی، توپچوباشی، سرلشکری به جنگ ادامه داد<sup>40</sup>.

عالم خان درباره فعالیت های ابراهیم بیگ پس از عزیمت از افغانستان مطالب زیر را می نویسد: "از آنجا که ملا ابراهیم بیگ دیوانبگی سرلشکر بود، او سربازان خود را جمع کرد و با بررسی وضعیت آنها به تدریج شروع به کار کرد. وی به روستاهایی که دشمن در آنها مستقر شده بود یورش برد و مقدار کمی اسلحه و مهمات تهیه کرد. به مردم مظلوم اطلاع دادند و در مدت

<sup>38</sup>ALTAYEV A, I. UTEGENOVA (2018), "Features Of The Ethnic Composition Of The Population In The Countries Of Central Asia", *Norwegian Journal of development of the International Science*, No: 17, Vol: 5, Year: 2018, s. 43.

<sup>39</sup>BADEMCI Ali, *Türkistan Milli İstiklal Hareketi Korbaşılar ve Enver Paşa (1917-1934)*, C.1, Ötüken Yay. İstanbul 2008, s. 418.

<sup>40</sup>CORAYEV M, R. NURULİN, S. KEMALOV vd, *Özbekistanning Yengi Tarihi 2*. Kitap, Şark Neşriyatı, Taşkent 2000,

فیض زاد محمد علم، مجاهد قهرمان ابراهیم بیگ لقی، پاکستان 1372، ص. 5-7: 254.

کوتاهی 10 هزار نفر را جمع کردند. سپس او به قولاپ و بلجوان حمله کرد، آنها را از اشغال نجات داد و افرازش را فرستاد تا اوضاع را به من اطلاع دهند. در همین حال وی استان های کاراتگین و درواز را نیز تصرف کرد. این شرایط مرا خوشحال کرد و مقام او را ارتقاء دادم و او به مدت هفت سال علیه بلشویک ها جنگید و قهرمانی نشان داد".<sup>41</sup>

نگرش منفی ابراهیم بیگ به دولت جدید و انور پاشا، که در مبارزات ترکستان شرکت داشت، باعث ایجاد تصور منفی نسبت به او در محافل ضد شوروی شد. وی به دلیل وفاداری به عالم خان، حدود 2 ماه تحت بازداشت انور پاشا بود تا اینکه دستورالعمل از طرف وی صادر شد و باعث انتقاد محافل ملی شد. با این حال، وقایع باید با توجه به شرایط آن دوره ارزیابی گردد.

در درگیری های خشونت آمیز که در تابستان 1926 رخ داد، وی دیگر نتوانست در برابر نیروهای برتر بلشویکی مقاومت کند و مجبور شد به افغانستان برود و مدتی با عالم خان زندگی کرد. عالم خان مبلغ 1500 روپیه در ماه به عنوان حقوق بازنشستگی برای لقی می پرداخت. سپس دولت افغانستان هم به آن 500 روپیه دیگر افزود. در زمستان سال 1926-1927 خانواده ابراهیم بیگ به کابل آمد. او دو سال با خانواده و بستگان خود که جمعا به 13 نفر می رسیدند، در قلعه فتوح زندگی کردند. زمستانها همراه با عالم خان به جلال آباد میرفت. این وضع تا اوایل سال 1929 دوام داشت.<sup>42</sup> وی بعد از امان الله خان در جنگ قدرت بین حبیب الله خان و نادرخان در افغانستان شرکت کرد. ولی به قدرت رسیدن نادر خان مشکلاتی را برای او ایجاد کرد.

در سال 1928، او به استان های شمالی افغانستان رفت و در آنجا فعالیت هایی را انجام داد، و با نیروهای اعزامی از طرف نادرخان مبارزه کرد. در آوریل 1929، هنگامی که بلشویک ها به استانهای شمالی افغانستان، مزار شریف و تاشکورگان حمله کردند، در سال 1930 تصمیم به حمله به بلشویک ها را گرفتند، اما بلشویک ها با آگاهی از این وضعیت، دوباره از مرز عبور کردند، به نیروهای ابراهیم بیگ حمله کردند و خسارات زیادی وارد نمودند. ابراهیم بیگ، که در مارس 1931 با 1500 نفر از مرز تاجیکستان عبور کرد، در درگیری در کوه اکباش در ماه ژوئن شکست خورد و مجروح شد. وی توسط بلشویک ها دستگیر و در مارس 1932 به تاشکند منتقل و در ماه آگوست اعدام شد.<sup>43</sup>

وقتی ابراهیم بیگ افغانستان را ترک کرد و از مرزهای تاجیکستان عبور کرد، حدود هزار خانواده مهاجر ازبک دستگیر و به مکانهایی به نام چاکناسور و نرسیراج در استان هیلمند تبعید شدند. در میان این مهاجران اعضای خانواده ابراهیم بیگ و افراد متعلق به خانواده لقی بودند.<sup>44</sup> در تاریخ های بعدی تبعیدی ها از شمال در این منطقه ادامه داشتند. امروز ابراهیم بیگ برای ترک ها در افغانستان به یک شخصیت تاریخی تبدیل شده و در زنده نگه داشتن هویت ملی آنها عملکرد مهمی را به عهده گرفته است.

<sup>41</sup> ALİM HAN Emir Seyit, *Buhara Halkının Hasreti Tarihi*, Çev: Abdusadık İrisov, Fen Neşriyatı, Taşkent 1991, s. 19.

<sup>42</sup> کنیادف الکساندر، عبدالله یف، پانین، پلیف و تیانف، *رازهای سر به مهر تاریخ دیپلماسی افغانستان در نیمه نخست سده بیستم*، ص. 93-4

<sup>43</sup> RECEBOV Kahraman, "İbrahimbeg", *Özbekistan Milli Ansiklopediyası*, Devlet İlmî Neşriyatı, Taşkent 2013, s. 30

<sup>44</sup> NAZAROV, *Afghanistan...*s. 69.

## نتیجه

امروزه مردم لقی ساکن در استانهای تاجیکستان، ازبکستان و شمالی افغانستان به عنوان یکی از قبیله های که ترکهای ازبک را از نظر فرایندهای تاریخی و ویژگی های زبانی تشکیل می دهند، دیده می شوند. لقی ها که به زیر گروه های مختلفی تقسیم می شوند، اکنون از نظر نام مکان های جغرافیایی، لقیهای بلجوان و هیسار نامیده می شوند. علاوه بر این طبقه بندی، طبقه بندی به نام "لّقی های قطغن" را می توان به لقیها اضافه کرد که از لحاظ جغرافیایی در مرزهای افغانستان زندگی می کنند. این منطقه که نام خود را از قطغن گرفته است از نظر جغرافیایی به مناطق دیگر نزدیک است. اگرچه بیشتر لقی ها در شهرک هایی به نام هیسار، کولاپ و کورگانته در تاجیکستان زندگی می کنند، اما آنها همچنین در منطقه دنوف استان سورهندریا در ازبکستان و در منطقه قطغن افغانستان زندگی می کنند. لقی ها در این منطقه که زمانی به امارت بخارا و از نظر جغرافیایی نزدیک به یکدیگر بودند پر جمعیت هستند. سبب این وضعیت را در روند مهاجرت ازبک ها از دشتی قیپچاق و استقرار آنها در سرزمین های کنونی باید جستجو کرد.

اگرچه لقی ها، که نام آنها در منابع تاریخی در دوره اخیر ذکر شده است، در 92 قبیله ازبک نشان داده شده است، اما آنها در آخرین لیست قرار دارند، نه در لیست های اولیه. با این حال، این واقعیت که بخشی از مرزهای امروز افغانستان با قبیله قطغن در ارتباط است، احتمال ظهور لقی ها به عنوان زیر شاخه ای از آنها را ایجاد می کند.

با نادیده گرفته شدن ورود ازبک ها از منطقه دشت قیپچاق قبل و بعد از اتحاد جماهیر شوروی در روند ساخت دولت ملی در ازبکستان موجب عدم پاسخ به سوالات زیر شده است. آیا ازبکها گروه قوم نگاری (Etnografik) است؟ و یا یک گروه قومی است؟ زیرا با توجه به هویت ترکی که ازبک ها نیز در آن گنجانده می شوند، در این صورت هویت ازبکی جای خود را در هویت لقیها پیدا می کند.

ابراهیم بیگ لقی یکی از مهمترین چهره های منطقه بخارای شرقی در مبارزه برای استقلال ترکستان بود که در خوارزم، فرغانه و بخارا زمانی که امارت بخارا در سال 1920 اشغال شد اتفاق افتاد. ابراهیم بیگ، که به دلیل مشارکت فعال در سیاست های داخلی افغانستان تحت عملیات نظامی قرار گرفت، مخالف او بود، نه تنها لقی قطغن بلکه سایر جوامع ترکهای افغانستان نیز به یک شخصیت مهم تبدیل شدند.

### منابع

- AKPUNAR Arzu “Nogay Ulusunu Oluşturan Boylar ve Nogayların Kökeni Meselesinde Bu Boyların Önemi”, *Uluslararası Türk Kültür Coğrafyasında Sosyal Bilimler Dergisi (TURKSOSBİLLER)* Cilt: 03, Sayı 02, 2018.
- ALİM HAN Emir Seyit, *Buhara Halkının Hasreti Tarihi*, Çev: Abdusadık İrisov, Fen Neşriyatı, Taşkent 1991.
- ALTAYEV A, I. UTEGENOVA, “Features Of The Ethnic Composition Of The Population In The Countries Of Central Asia”, *Norwegian Journal of development of the International Science*, No: 17, Vol: 5, 2018.
- AMİROV Abdusettar, *Özbekistan Milli Ansiklopediyası*, “Lakay Maddesi”, Devlet İلمي Neşriyatı, Taşkent 2013.
- ASKEROV Ahmedali , *Ozbek Halkının Etnogenezi ve Etnik Tarihi*, Universitet Neşriyatı, Taşkent 2007.
- BADEMCİ Ali, *Türkistan Milli İstiklal Hareketi Korbaşılar ve Enver Paşa (1917-1934)*, C.1, Ötüken Yay. İstanbul 2008.
- BORCIYAN Habib “Kulab” *Encyclopaedia Iranica*, Erişim: <https://iranicaonline.org/articles/kulab>, 2020.
- BURNES Alexander, *Travels Into Bokhara Vol. I*, Printed By A. Spottiswood, London 1834.
- CORAYEV M, R. NURULİN, S. KEMALOV vd, *Özbekistanning Yengi Tarihi 2*. Kitap, Şark Neşriyatı, Taşkent 2000.
- ÇELİK Muhammed Bilal, “Buhara Hanlığı ve Afganistan”, *Akademik Bakış*, Cilt: 13, Sayı 26, 2020.
- EBERHARD, W ( “Kay’lar Kabilesi Hakkında Sinolojik Mülahazalar”, *Bulleten*, C. VIII, Sayı 32. Ankara 1944.
- EROL, Mehmet Seyfettin ve Fazıl Ahmet BURGET, “Afganistan Özbekleri”, *Avrasya Dosyası* , Sonbahar, Sayı: 3, 2001.

- FİRÜZ Fevzi, “Afganistan’da Türk Kültürü ve Edebiyatı Üzerine Bir Araştırma”, *Batman University Journal of Life Sciences*, Vol: 1 Number: 1. 2012.
- HAYDAROV A..H. - O. BORİYEV- A.A. ASHİROV, *Merkezi Asya Halkları Etnografyası, Etnogenezi ve Etnik Tarihi*, Yangı Nashr, Taşkent 2011.
- KAFALI Mustafa, “Özbek Han” *Türk Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, İSAM Yayınları, C. 34, 2007.
- KAMALOVA Zebiniso “Özbeklerin Ulusal Oluşumu”, *Milli Kültür Araştırmaları Dergisi (MİKAD)* Cilt: 1- Sayı: 2- Aralık 2017.
- KARATAYEV Olcobay, “Kırgızlar ve Lakayların Etnik İlişkileri”, *TÜRÜK Uluslararası Dil, Edebiyat ve Halkbilimi Araştırmaları Dergisi* Yıl:4, Sayı:7, 2016.
- KÖPRÜLÜ, Fuad “Kay Kabilesi Hakkında Yeni Notlar”, *Belleten*, C. VIII, Sayı 31, Ankara 1944.
- NASIROV Oral, *Özbekler Şeceresi, (Etnik Tarihge Halıs Nezer)*, Extremum Pres Neşriyatı , yy 2012.
- NAZAROV Nasriddin - Ercan PETEK - Serdar DAĞISTAN, “Lakaylar ve Dilleri” *Türk Dünyası Dil ve Edebiyat Dergisi*, Sayı: 48, Güz, Ankara 2019.
- NAZAROV Nasriddin, “Some Historical Aspects of Development of Uzbek Ethnos in The Afghanistan”, *International Scientific Journal Theoretical and Applied Science*, Issue: 11, Vol: 79, 2019.
- NAZAROV Nesriddin, “Lakaylar Degen Kımler?”, *Sır Boyı 2017*.Erişim: <https://old.syrboyi.kz/negizginews/12624-laaylar-degen-kmder-.html> (2021).
- NAZAROV Nesriddin, *Afganistan Özbekleri*, yy, Taşkent 2011.
- NAZAROV Nesriddin, *Lakaylar; Dialektologya ve Frazologya*, Taşkent 2010.



- RECEBOV Kahraman, “İbrahimbeg”, *Özbekistan Milli Ansiklopediyası*, Devlet İلمي Neşriyatı, Taşkent 2013.
- ROUX Jean-Paul , *Türklerin Tarihi*, Çev: Galip Üstün, AD Yayıncılık, İstanbul 1997.
- ROY Oliver, *Yeni Orta Asya ya da Ulusların İmal Edilişi*, çev. M. Moralı, Metis Yayınları, İstanbul 2009.
- ŞANIYAZOV Kerim, *Özbek Halkının Şekilleniş Cereyanı*, Şark Neşriyatı , Taşkent 2001.
- TOGAN Zeki Velidi, *Türkistan ve Yakın Tarihi*, Enderun Yay. İstanbul 1981.
- TÜRKOĞLU İsmail, “Şeybaniler”, *Türk Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, İSAM Yayınları, C. 39, 2010.
- YAKUBOVSKİY A. Yu. , *Altın Ordu ve Çöküşü*, Çev: Hasan Eren, TTK Yayınları, Ankara 2000.
- Yaşlık Curneli No :1 (154) Özbekistan 1997.
- فیض زاد محمد علم، مجاهد قهرمان ابراهیم بیک لقی، پاکستان 1372  
 غوبار، میر غلام محمد، افغانستان در مسیر تریخ، دولتی مطبعه کابل، افغانستان 1967  
 کنیادف الکساندر، عبدالله یف، پانین، پلیف و تیائف، رازهای سر به مهر تاریخ دیپلماسی افغانستان  
 در نیمه نخست سده بیستم